انترناسیونال ۷۸۹

**دنیای وارونه ها**

سینا پدرام

بحران تمامى ناپذير سرمايه دارى دهه اخير، سؤال اساسى دو قرن گذشته را بار ديگر با فوريت  بيشترى در مقابل نسل جديد انسانى بازگشوده است. سؤالى كه براى نجات حال و آينده در برابر همگان قد علم كرده است. سؤالى بزرگ كه جوابى درخور ميطلبد. به اين سؤال خواهيم پرداخت. اما پيش از آن مرور تاريخ معاصر ضرورى مى نمايد.

دهه ٨٠ و ٩٠ سده گذشته عروج نيوليبراليسم و مانتاريسم افسار گسيخته اى بود كه از يك سو به تمامى دستاوردهاى فی الحال موجود رفاهى و اقتصادى و سياسى جوامع كشورهاى اروپايى حمله ميبرد و از سوى ديگر رويا و آينده سعادت آميزى را وعده ميداد. اين دوره به نوعى باز تعريف تمامى داده هاى دهه هاى قبل تَر از خود را پيشِ روىِ خود گذاشته بود.

دوره اى پر از تحركات و ترشحات فكرى تئورى پردازان سرمايه دارى، در مراكز پژوهشى وابسته و غيروابسته به سازمانهاى اطلاعاتى كه شغل شريفشان يافتن آخرين شیوه هاى "شكنجه هاى قابل قبول قانونى"بود. دوره اى كه بازار آزاد وعده هایى از جنس وعده هاى خدایان به ايمان آورندگان مى داد. و انديشكده هاى ريز و درشت در توجيه كارآمدى اقتصادى و سياسى سرمايه دارى از "پايان تاريخ"، "نظم جهانى" و "جنگ تمدنها" نقل قول و كد مى آوردند.

در غرب به اندازه شرق مدل هاى مختلف بازار و اقتصاد به امتحان و مسابقه گذاشته ميشد.

"روياى امريكايى"به روياى ششلول بند معروف هاليوود رونالد ريگان تبديل شد و به مردان خودساخته و "كارآفرينان" وعده داده شد. خانم تاچر در راس "ليگ جنتلمن ها" وعده يك خانه براى هر بريتانيايى ميداد، فقط اگر بردبار بودند و به انتظار مى نشستند و صد البته اگر كمر بندها را به حدى سفت ميكردندكه روده هايشان به ستون فقراتشان مى چسبيد.

صدراعظم هاى آلمان يكى پس از ديگر رمز موفقيت را با فورمول يا كار براى يك يورو در ساعت و يا بى بهرگى از تمام رفاهيات اجتماعى به جامعه ميفروختند.

به مردمان روس و غير روس جمهوريهاى شوروى سابق گلاسنوست، پروسترويكا و گورباچف با اقتصاد رنگارنگ به جاى اقتصاد خاكسترى دولتى و آزادى سياسى وعده دادند، اما در عالم واقع يلتسين و پوتين و نيازوف و حيدر على اوف تحويلشان دادند. با تمامى ارتشا و فساد و مافيای سياسى و اقتصادى متناظر با سيستم "نوين".

"روش چينى" اسم رمز اقتصاد بازار آزاد براى كشيدن تسمه از گرده كارگران چينى با نازلترين دستمزدها بود. شكوفايى اقتصادى با نرخ رشد دو رقمى بدون وعده تغييرات سياسى در اركان حكومتى. شايد فروپاشى شوروى درس عبرتى بود براى زمامداران چين سرمايه دارى نوين.

بر سر درِ هر جامعه انسانى قرار بود نوشته شود: "از اين دروازه اگر بگذرى، پاداشى درخور، تو را به انتظار است"(١). دروازه رياضت كشى. دروازه كار بى وقفه در موسسات غول آساى چند مليتى. دروازه قروض بانكى بى پايان و حساب هاى خالى.

 قرار بود توفق بازار و سرمايه دارى با مهارت تمام به ملكه ذهن مردم تبديل شده و موفقيت جامعه بشرى با حجم حسابها بانكى اربابان جامعه محاسبه شود.

در حالى كه سوسيال دموكراسى اروپايى نفس هاى آخر را ميكشيد و در رثای كنزيانيسم و سرمايه دارى با "چهره انسانى" قلم فرسايى ميكرد. در حالى كه ليبراليسم دانشگاهى به دولتهاى در خدمت بازار آزاد كارت قرمز نشان ميداد و حاكمان جامعه را از عقوبات بى تناسبى بازار ميهراساند، ريگان و تاچر تانگو براى دو نَفَر ميرقصيدند.

در حالى كه پارلمانها حمله به رفاه جامعه را در دستور كار دولتها قرار ميدادند و در مقابل، دولتها از بودجه سالانه مدارس و بيمارستانهاى عمومى ميكاستند تا به نام امنيت ملى ونجات ملت موشكها و هواپيماهاى جنگى مافوق مدرن تحويل ميدانهاى جنگ وغارت ميدادند، افغانستان را به جولانگاه ضد بشريترين جنبش اسلامى مبدل ميساختند و به جنگ ژنرالهاى خونخوار آرژانتينى در فالكلند ميشتافتند تا قبح سياستهاى رياضت كشانه شان را از نظر ها دور نگه دارند.

و در بلبشوى سياسى واقتصادى، سينماى امريكا سريال friends (دوستان) را توليد ميكرد تا روياى فراغبالى و زندگى بى دردسر و پر نشاط در قلب منهاتن و مركز لندن را در ذهن نسل جوان مهندسى كند. قرار بود با كمى همت و تلاش، با كمى توقع كم و كار زياد، با سامسونتى در دست و كارت اعتبارى در جيب، تمامى اين نسل جديد صاحب خانه و خانواده و ماشين و زندگى بى دردسرى را در زير پرچم بازار آزاد شود

رامبو و راكى را توليد ميكرد تا بلكه بتواند به كابوس  سندروم ويتنام نقطه پايان ببخشد و خود را بار ديگر "آزادى بخش" جلوه دهد. مهندسى افكار ابزار كارآمدى يافته بود.

و بالاخره براى چنين دنياى وارونه اى بايد به دنياى وارونه ها نيز ميدان داده ميشد.

دهه هشتاد و ده هاى پس از آن تجلى وارونگى نبود. تلاش هوشمندانه بورژوازى براى ابدى جلوه دادن آن نيز نبود. تلاشى در تجليل اين وارونگى در سياست، فرهنگ، اقتصاد و در تمامى شئون زندگى و حيات اجتماعى بود.

تلاش براى فرو بردن بشر در قهقرا بود و از اينرو تلاش براى باز تعريف انسان در همه جوانب آن بود از فلسفه تا تاريخ. از كلاس درس تا كارخانه. از خانواده تا محيط كار.

بررسى برآمدها و ويژگيهاى دوران معاصرى كه ميتواند نقطه عطف تحولات آينده نيز به شمار آيد، از اهمیت زیادی برخوردار است، که باید به آن پرداخت.